

**Introduction to the reading Isaiah
54:7-10 on 26 March 2023**

The Bible tells us that large parts of the Israelites were once driven out of Jerusalem and taken into exile in Babylon. No more home, no more temple. The people felt abandoned by God. What misery.

But God is there. He promises deliverance, a new beginning, reconciliation, peace. We have His word - also for us today - through the prophet Isaiah:

**مقدمه ای بر خواندن اشعیا 54:7-10 در
26 مارس 2023**

کتاب مقدس به ما می گوید که زمانی بخش بزرگی از بنی اسرائیل از اورشلیم رانده و به بابل تبعید شدند. دیگر نه خانه ای، و نه معبدی داشتند. مردم احساس می کردند که از طرف خدا رها شده اند. چه مصیبتی!

اما خدا آنجاست. او وعده رهایی، آغازی جدید، آشتی، صلح را می دهد. ما کلام او را همچنین امروز از طریق اشعیا نبی می شنویم:

7. “For a brief moment I abandoned you, But with great compassion and mercy I will gather you [to Myself again].

8. In an outburst of wrath I hid My face from you for a moment, But with everlasting kindness I will have compassion on you,” Says the Lord your Redeemer.

7. «برای لحظه‌ای کوتاه تو را ترک کردم، اما با شفقتی عظیم تو را باز می‌آورم.»

8. خداوند ولیّ تو می‌فرماید: «به جوشش غضبی لحظه‌ای روی خود را از تو پوشاندم، اما با محبت جاودانی بر تو شفقت خواهم کرد.»

9. "For this is like the waters of Noah to Me, As I swore [an oath] that the waters of Noah Would not flood the earth again; In the same way I have sworn that I will not be angry with you, Nor will I rebuke you.

10. For the mountains may be removed, and the hills may shake, But My lovingkindness will not be removed from you, Nor will My covenant of peace be shaken, "Says the Lord who has compassion on you.

9. «این برای من همچون روزهای نوح است: چنانکه قسم خوردم آبهای نوح بار دیگر زمین را فرو نخواهد گرفت، همچنان قسم خورده‌ام که دیگر بر تو خشم نگیرم و عتابت نکنم.

10. حتی اگر کوهها به لرزه درآیند و تله‌ها به جنبش آیند، محبت من نسبت به تو متزلزل نخواهد شد، و عهد سلامتی من به جنبش در نخواهد آمد، «خداوند که بر تو شفقت دارد چنین می‌فرماید.

**Sermon for 26 March
2023 by Pastor Kerstin
Jaensch on Isaiah 54:7-
10 and song
(EG 286, 1-5)**

**“Strahlen brechen
viele” (“Many rays
break from one light”).**

**موعظه ۲۶/۰۳/۲۰۲۳
توسط کشیش کرسٹین یائنش
در مورد اشعیا ۷، ۵۴-۱۰
و آهنگ**

**(EG 286, 1-5.)
“پرتو ها نور را می
شکنند”**

1. In 587 BC, Jerusalem is destroyed by the Babylonians. The royal palace and temple are destroyed. People are killed. An entire state ceases to exist. A culture is wiped out. Attacked and destroyed by the great powerful neighbour. This is frighteningly topical. Under the rubble of Jerusalem, faith in God is also buried and shaken. The people are desperate and at a loss: Where is God?

1. در سال 587 قبل از میلاد، اورشلیم توسط بابلی ها ویران می شود. کاخ سلطنتی و معبد شکسته شده است و بسیاری از مردم کشته شدند. دیگر یک دولت مشخص وجود نداشت و یک فرهنگ در حال نابودی بود. یک حمله و نابودی توسط همسایه ای قدرتمند و بزرگ اتفاق افتاده بودگ این اتفاق به طرز وحشتناک در آن دوران جدید بود و کسی قبلا همچین اتفاقی را تجربه نکرده بود. ایمان به خدا نیز زیر آوار بیت المقدس مدفون و در حال متزلزل شدن بود. مردم مستاصل و از دست رفته اند: خدا کجاست؟

2. Can God not help? Or does He not want to? Trust in life is destroyed. What now? The prophet Isaiah refers to God's word - we have just heard it as a reading: "I have left you for a little while, but with great mercy I will gather you. I have hidden my face from you a little in a moment of anger, but with everlasting mercy I will have mercy on you, says the Lord your Redeemer.

2. آیا خدا نمی تواند کمکی کند؟ یا او نمی خواهد؟ ایمان به زندگی از بین رفته است. اشعیای نبی به کلام خدا اشاره می کند - ما آن را به عنوان قرائت شنیدیم: زیرا تو را به اندک لحظه‌ای ترک کردم اما به رحمت‌های عظیم تو را جمع خواهم نمود. و خداوند ولی تو می‌گوید: به جوشش غضبی خود را از تو برای لحظه‌ای پوشانیدم اما به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود. (اشعیا - ۸-۷، ۵۴)

3. I hold it as in the days of Noah, when I swore that the waters of Noah should no more pass over the earth. So have I sworn that I will no more be angry with you, nor reproach you anymore. For the mountains shall depart, and the hills shall fall but my mercy shall not depart from your, neither shall the covenant of my peace fall away, says the LORD your merciful God.” (Isaiah 54:7-10)

۳. زیرا که این برای من مثل آبهای نوح می باشد. چنانکه قسم خوردم که آبهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد، همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تو را عتاب ننمایم. هر آینه کوهها زایل خواهد شد و تلهای متحرک خواهد گردید، لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت می کند این را می گوید. (اشعیا ۵۴، ۹-۱۰)

4. What several men in Lower Saxony experienced in 1850 at a church festival in a neighboring village apparently also hit them like a bomb. There they heard a trombone choir for the first time. Immediately they decided: "We want that in our village too!" However, musical instruments were expensive, the money was not available. Nevertheless, they remained determined, full of trust: God will help. And God helped.

4. آنچه چندین مرد در نیدرزاکسن در یک فستیوال کلیسایی در یک روستای همسایه در سال 1850 تجربه کردند ظاهراً مانند بمب صدا کرد. در آنجا برای اولین بار یک گروه کر ترومبون را شنیدند. آنها بلافاصله به این نتیجه رسیدند که "ما در روستای خود نیز چنین چیزی می خواهیم!". با این حال که آلات موسیقی گران بود و پولی نیز در دسترس نبود. با این وجود، آنها مصمم و پر از اعتماد باقی ماندند: خدا کمک خواهد کرد. و خدا کمک کرد.

5. A farmer lent them 180 marks. With that they bought trumpets and other wind instruments. It didn't take long until these wind players were known far and wide in the area and were also invited to festivals by other parishes. However, there were also complaints. It was said that the trombone choir was causing trouble. Some complained to the King of Hanover, the supreme lord of the church. The king said: "The pastors have preached the people to sleep long enough. Now it is good for the choirs to wake the people up."

5. یک کشاورز 180 مارک به آنها قرض داد. با آن پول شیپور و سایر سازهای بادی را خریدند. حالا می توانستند شروع کنند. طولی نکشید که این نوازندگان بادی در تمام منطقه شناخته شدند و از سوی دیگر بخش ها نیز به جشنواره ها دعوت شدند. با این حال، شکایاتی نیز وجود داشت. گفته می شد که گروه کر ترومبون دردسر ایجاد می کند. برخی به پادشاه هانوفر، ارباب عالی کلیسا شکایت کردند. پادشاه گفت: "کشیش ها مردم را موعظه کرده اند که به اندازه کافی بخوابند. حالا خوب است که گروه های کر مردم را بیدار کنند."

6. There is a melody. Perhaps you have already recognized it. It is the song “Strahlen brechen viele” (“Many rays break from one light”). Originally a Swedish song, it has also been included in our Protestant hymnal (EG 268) as a result of the work of the Ecumenical World Council of Churches. The melody first moves radiantly upwards in the first line of the song and then returns to the original tone at the end of the line.

6. یک ملودی شروع می شود. شاید برایتان آشنا باشد. این آهنگ "پرتوها نور های بسیاری را می شکنند". یک سرود اصالتاً سوئدی، که در سرود انجیلی ما (EG 268) در نتیجه کار شورای جهانی کلیساها گنجانده شد. ملودی ابتدا در سطر اول آهنگ به صورت تابشی به سمت بالا حرکت می کند و به نت اصلی در انتهای سطر باز می گردد.

7. Then follow notes in the second line which have an affirmative character. As if the text should be underlined: Our light is called Christ (1). Our stem is called Christ (2). Love gives us Christ (3). We are members of Christ (4). At the end again the starting tone, like the keynote of conviction that concludes all five stanzas: We are one through him!

7. سپس در سطر دوم، نت هایی را دنبال می کنیم که دارای کاراکتر تایید کننده هستند. مثل اینکه زیر متن خط بکشیم: نور ما مسیح نام دارد (1). قبیله ما مسیح (2) نام دارد. مسیح به ما عشق می بخشد (3). ما اعضای مسیح هستیم (4). در پایان دوباره لحن اولیه، مانند لحن اعتقادی اساسی که هر پنج بیت را به پایان می رساند: ما از طریق او یکی هستیم!

8. Jesus Christ is at the centre of the song. Isaiah shared his vision centuries before Jesus: people of all nations will be one. And they are one through God. God is the source of light for our lives. God is the trunk from which we grow. God is the love that unites us. We are God's children, members of His body, so that faith may have a hand and a foot. God guards us like the apple of His eye. We are His most sensitive, most vulnerable place.

8. عیسی مسیح محور آهنگ است. قرن‌ها قبل از عیسی، اشعیا در رؤیای خود گفت: مردم از همه ملل متحد خواهند بود. و از طریق خدا یکی هستند. خدا منبع نور زندگی ماست. خدا همان قبیله‌ای است که در ما رشد می‌کند. خدا عشقی است که ما را متحد می‌کند. ما فرزندان خدا هستیم و اعضای بدن او هستیم تا ایمان یک پا و یک دست داشته باشد. خداوند ما را مانند کره چشم در چشم خود نگه می‌دارد. ما حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین نقطه او هستیم.

9. Isaiah sings a song of peace, a love song. Sung by God to His “bride” Jerusalem. “Rejoice”, it begins in its very first lines: “Rejoice, be glad, exult. Drive in pegs, fear not. For there is reason to rejoice.” “Yes, sometimes I keep myself hidden for a moment”, God says, “but you will see, I help you, I save you, for I love you. I want to give you my peace. That is how it has always been, that is how it is, and that is how it will remain!”

9. اشعيا آواز صلح می خواند، بله، آهنگ عشق. خوانده شده توسط خدا برای "عروس" خود که همان اورشلیم است. «شاد باش»، در اولین سطرهای او شروع می شود: «شاد باش، شاد باش، شاد باش. در خطر باش، نترس. زیرا دلیلی برای شادی وجود دارد.» خدا می گوید: «بله، گاهی اوقات یک لحظه پنهان می شوم، اما می بینی، کمکت می کنم، نجاتت می دهم، چون تو را دوست دارم، می خواهم آرامشم را به تو بدهم، همیشه همین طور بود و همینطور خواهد ماند!»

10. The keynote of conviction - it already sounds in Isaiah. Despite all experiences of suffering and destruction. Even when faith lies on the ground, buried under fear or doubt: God's love does not waver. His covenant of peace does not waver. We remain one through Him.

10. نکته اصلی اعتقاد - در اشعیا به نظر می رسد. با وجود تمام تجربه های رنج و ویرانی. حتی زمانی که ایمان بر زمین است، در زیر ترس یا شک مدفون شده است: عشق خدا راه نمی دهد. عهد صلح او متزلزل نمی شود. ما از طریق او یکی می مانیم.

11. In the village in Lower Saxony, a pastor had a decisive musical influence on the newly founded choir, and not only on the choir: Johannes Kuhlo. Together with his father Eduard, he is considered the founder of the Protestant trombone choir movement in Germany. Brought up faithful to the Bible, his basic tone of conviction was clear: the Gospel of God was to be proclaimed with the trombones. Unfortunately, Johannes Kuhlo, the "trombone general", remained completely uncritical in his attitude towards National Socialism and Adolf Hitler throughout his life. We find this very sad.

11. در دهکده ای در نیدرزاکسن، یک کشیش تأثیر موسیقایی تعیین کننده ای بر گروه کر تازه تأسیس و نه تنها بر آن داشت: یوهانس کوهلو. او به همراه پدرش ادوارد به عنوان بنیانگذار جنبش کر ترومبون پروتستان در آلمان در نظر گرفته می شود. لحن اعتقادی او که وفادار به کتاب مقدس بزرگ شده بود، واضح بود: انجیل خدا باید با شیپورها اعلام شود. متأسفانه یوهانس کوهلو، "ژنرال شیپور" در تمام طول زندگی خود در نگرش خود نسبت به ناسیونال سوسیالیسم و آدولف هیتلر کاملاً غیرانتقادی باقی ماند. ما آن را بسیار غم انگیز می دانیم.

12. In the village in Lower Saxony, the choir also lost a large number of its members to the Second World War. Nevertheless, the few who were able continued to make music. The choir remained and experienced a new great upswing after the war. “For the mountains shall depart, and the hills shall fall but my mercy shall not depart from you, neither shall the covenant of my peace fall away, says the LORD your merciful God.” (Isaiah 54:10)

12. همچنین در دهکده ای در نیدرزاکسن، گروه کر تعداد زیادی از اعضای خود را در جنگ جهانی دوم از دست داد. با این وجود، تعداد معدودی که می توانستند به موسیقی ادامه دهند. گروه کر زنده ماند و پس از جنگ رونق جدیدی را تجربه کرد. خدای مهربان می گوید: «زیرا کوه ها تسلیم می شوند و تپه ها فرو می ریزند، اما فیض من از شما دور نخواهد شد، و عهد صلح من از بین نخواهد رفت.» (اشعیا 54:10)

13. The 100th anniversary was celebrated in 1950 with 200 brass guests in the centre of the village. 2000 listeners attended, including the Princess of Hanover. For the 150th anniversary in 2000, the bishop came and gave the festive sermon. The hall was bursting at the seams and the chairs were not nearly enough. What a celebration!

13. جشن 100 سالگی در سال 1950 با 200 مهمان برنجی در وسط روستا برگزار شد. 2000 شنونده از جمله شاهزاده هانوفر آمدند. اسقف در سال 2000 به 150 سالگی آمد و خطبه را ایراد کرد. سالن کاملا پر شده بود، صندلی های چیده شده به اندازه کافی دور بودند. چه مهمانی!

14. The Trombone Society, our brass association in the national church, celebrates its 125th anniversary this year. That means the first trombone choirs were already almost 50 years old then. Today, around 550 choirs, some of them much younger, belong to the Society. Choirs that were founded only 10, 20 or 25 years ago. The trombone choir of the Kreuzkirche is ... years old. But whatever their age, they are all something great!

14. کار ترومبون، انجمن برنجی ما در کلیسای منطقه ای، امسال صد و بیست و پنجمین سالگرد خود را جشن می گیرد. بنابراین اولین گروه های کر ترومبون تقریباً 50 ساله بودند. امروزه حدود 550 گروه کر و همچنین گروه های بسیار جوانتر به این اثر تعلق دارند. گروه های کر که فقط 10، 20 یا 25 سال پیش تأسیس شدند. گروه کر ترومبون Kreuzkirche ... ساله است. اما فارغ از سن، همه آنها عالی هستند!

15. Because their music is the keynote of conviction of our faith and the Gospel.

Trumpet choirs carry the good news of our faith into the world and keep the vision alive musically: “The mountains may depart, and the hills fall away, but the grace of God shall not depart from you, nor the covenant of his peace fall away.”

(Isaiah 54:10)

15. زیرا موسیقی آنها کلید باور ایمان و انجیل ما است. گروه های کر ترومبون مژده ایمان ما را به جهان می برند و بینش را از نظر موسیقایی زنده نگه می دارند: کوه ها باید جابجا شوند و تپه ها فرو می ریزند، اما لطف خدا از شما دور نشود و عهد صلح او نباید سقوط کند. (اشعیا 54:10)

16. Even if someone plays a little off-key or doesn't quite follow, even if others slow down or are no longer so nimble with their fingers - we remain together in the basic tone, held in God's covenant of peace. Whether the melody of life rises or falls, whether there is rejoicing in the highest notes or lamenting in the lowest: Our keynote remains Christ.

16. حتی اگر کسی اشتباه بازی می‌کند یا کاملاً ادامه نمی‌دهد، حتی اگر دیگران از قبل سرعتشان را کاهش می‌دهند، دیگر با انگشتان خود آنقدر سریع عمل نمی‌کنند - در لحن اصلی ما با هم می‌مانیم و در عهد صلح خدا حفظ شده‌ایم. خواه ملودی زندگی اوج می‌گیرد یا فرو می‌ریزد، چه شادی در بالاترین ثبت باشد و چه غم در پایین‌ترین حالت: مسیح سخن اصلی ما باقی می‌ماند.

17. As God promised the people of Jerusalem through Isaiah ages ago, as it was confirmed in Christ, it remains true for us as well:

God's history continues - beyond us. God is not finished with His people. He lovingly holds on to us! Even when we are at war, when we ourselves have caused the rubble under which we lie, when we build temples or destroy them, when we gain land or fight over it, when we are lonely or many: God is there, often hidden, but palpable and close.

17. همانطور که خدا مدتها پیش از طریق اشعیا به مردم اورشلیم وعده داده بود، همانطور که در مسیح تأیید شد، برای ما نیز صادق است: تاریخ خدا ادامه دارد - فراتر از ما. خدا با قومش تمام نشده است. او عاشقانه ما را نگه می دارد! حتی اگر با هم دعوا کنیم، ممکن است باعث ایجاد آوارهایی شده باشد که زیر آن هستیم، اگر معبدی بسازیم یا ویران کنیم، اگر زمینی را به دست آوریم یا بر سر آن بجنگیم، اگر تنها باشیم یا باهم: خدا آنجاست، اغلب در خفا، اما قابل توجه است.

18. Because He loves us. Even when we are not the brightest lamps on the chandelier, he wants to help us shine. As the ancient church fathers said: There are many lamps, but only one light. Or also: Many lamps are one (bright) light. That is why we prefer to do what we do together: make music, sing about what we want to say: Our light is called Christ! He is the light of life and the light of peace! We are and remain one through Him.

Amen!

18. چون او ما را دوست دارد. حتی اگر ما درخشان ترین چراغ های لوستر نباشیم، او می خواهد ما را بدرخشاند. همانطور که پدران قدیمی کلیسا می گفتند: چراغ های زیادی وجود دارد، اما فقط یک نور. یا همچنین: بسیاری از لامپ ها یک نور (روشن) هستند. به همین دلیل است که ما کاری را که دوست داریم با هم انجام می دهیم: موسیقی بسازیم که می خواهیم درباره آن بخوانیم و بگوییم: نور ما مسیح نام دارد! او نور زندگی و نور آرامش است! ما به واسطه او یکی هستیم و می مانیم.

آمین